

دکتر محمد حسین کرمی* محمد مرادی**

چکیده

وزن از عناصر اصلی شعر است. در ادبیات فارسی به علت ماهیت ویژه‌ای که این عنصر دارد، با وجود سال‌ها تلاش شاعران نوپرداز و شعر سپیدسرا، هنوز به عنوان شاخص اصلی شعر قلمداد می‌شود. در میان قالب‌های سنتی، غزل به عنوان قالبی ثابت در هزارسال ادبیات فارسی، باتوجه به شکل ظاهری‌اش پیوندی تنگاتنگ با وزن و عروض دارد. این پیوند وقتی اهمیت بیش‌تر می‌یابد که فرض کنیم، جدا از ظاهر ثابت و محدود عروضی غزل در ادبیات فارسی، هر شاعر متناسب با ضرورت‌های ساختاری، ذوقی و محتوایی شعرش در دوره‌های گوناگون و سبک‌های مختلف، دایره‌ای ویژه خود در قلمرو عروض رسم می‌کند.

در این پژوهش سعی شده است با بررسی وزن نزدیک ۱۴۰۰۰ غزل از گروهی از غزل‌سرایان شاخص فارسی در قرن‌های دهم، یازدهم و دوازدهم، ضمن بررسی جایگاه گونه‌ها و بحرهای مختلف در غزل این شاعران، وزن‌های اصلی در آثار آنان مشخص شود و شاعران مطرح نیز از نظرتنوع در انتخاب وزن معرفی شوند. هم‌چنین سعی شده است، وزن‌های اصلی هر دوره، متناسب با مفاهیم و سبک‌های مختلف معرفی شوند.

واژه‌های کلیدی

سبک هندی، غزل، وزن، بحر و تنوع آن‌ها.

مقدمه

موسیقی یکی از عوامل اصلی تشخیص زبان شاعرانه است. در واقع زبان شعر برای این که از حالت روزمره خود خارج شود، از دو اصل «قاعده‌کاهی» و «قاعده‌افزایی» بهره می‌گیرد و موسیقی؛ بویژه موسیقی بیرونی از عناصر افزاینده‌ای است که زبان شعر را تقویت می‌کند (ر.ک. صفوی، ۱۳۷۳: ۳۷-۳۶). این عنصر شاعرانه در ادبیات ملل مختلف به شیوه‌های

* استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز (مسئول مکاتبات) mhkarami@rose.shirazu.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

تاریخ وصول: ۸۹/۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۱

گوناگون حضور دارد؛ ولی اهمیت آن تقریباً در میان شعر همه شاعران جهان قابل توجه است. این اهمیت و حضور مؤثر، در ادبیات فارسی متناسب با نوع وزن و موسیقی‌ای که دارد؛ بویژه در آثار شاعران سنتی، بیش‌تر جلوه‌گر بوده است.

در ادبیات فارسی تعاریف متعدد و گاه متفاوتی از وزن و موسیقی ارائه شده‌است. براساس یکی از آن تعاریف، می‌توان گفت که «وزن نوعی از تناسب است. تناسب کیفیتی است، حاصل از ادراک وحدتی در میان اجزای متعدد. تناسب اگر در مکان واقع شود آن را «قرینه» می‌خوانند و اگر در زمان واقع شد «وزن» خوانده می‌شود» (خانلری، ۱۳۶۱: ۲۴).

اگرچه وزن عروضی نوعی موسیقی است، باید به گونه‌ای بین آن و مفهوم کلی موسیقی در شعر تفاوت نهاد. موسیقی و یا آهنگ شعر، درحقیقت ساختار آهنگین یک اثر است که از همراهی و گره خوردگی تمام زیرگروه‌های آوایی یک شعر- در این پژوهش غزل- شکل می‌گیرد. این موسیقی را می‌توان در لابه‌لای شعر و خارج از آهنگ عروضی نیز دید. قافیه و ردیف هم موسیقی کناری شعر را تشکیل دهند و مکمل وزن به عنوان موسیقی بیرونی هستند. علاوه بر دو عنوان یاد شده، خود واژه‌ها و صداها نیز در غزل، آن‌جا که متقارن و هماهنگ باشند، نوعی موسیقی درونی به شعر می‌دهند. بعلاوه، ارتباط معنایی واژه‌های غزل نیز می‌تواند به گونه‌ای آهنگ آفرین باشد، که از آن به موسیقی معنوی یاد می‌کنند. در میان این چهار نوع، اولین آهنگی که در گونه- قالب‌های سنتی و به موازات آن غزل به چشم می‌آید، وزن عروضی است.

در تناسب وزن عروضی فارسی، با دو هم شکلی روبه‌رو هستیم، یکی کمیت یک‌سان آوای یک شعر و دیگر، کیفیت یک‌سان و یا شبیه به هم مجموعه هجاهای آوایی که در قرینه هم قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر «وقتی مجموعه آوایی مورد بحث ما به لحاظ کوتاه و بلندی مصوت‌ها و یا ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها از نظام خاصی برخوردار باشد، نوعی موسیقی به وجود می‌آید که آن را وزن می‌نامیم و اهل هر زبانی وزن شعر خود را در تناسب‌هایی خاص احساس می‌کنند که اهل زبان دیگر ممکن است، آن تناسب را احساس نکنند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۹).

این تناسب در موقعیت‌ها و شکل‌های مختلف، گونه‌هایی تا حدودی متفاوت شکل می‌دهد. گاه در دوره‌ها و موضوعات متفاوت و در میان شاعرانی که نگرش‌های متفاوتی از وزن دارند، مخاطب با شگردهایی خاص از وزن روبه‌روست. این شگردها که برآمده از علم عروض فارسی و عربی است وزن‌های متعددی را به شعر فارسی عرضه کرده است. گونه‌گونی وزن‌های شعر فارسی به این معنی نیست که تمام گونه‌های یاد شده، در دوره‌ها و سبک‌های مختلف یک‌سان استفاده می‌شوند؛ بلکه، شاعران در دوره‌های متفاوت و با سلیقه‌های گوناگون، از برخی وزن‌ها بیش‌تر استقبال می‌کنند و دیگر وزن‌ها ممکن است به حاشیه رانده شوند. شاید به دلیل همین تنوع سلیقه، شگرد و در کنار آن سبک است که «در شعر فارسی حدود ۳۵۰ وزن وجود دارد که پیرو قانون‌مندی بسیار دقیق و ظریف است و شناختن کیفیت اوزان و همانندی وزن‌ها و هم‌چنین درستی و نادرستی آن‌ها جز به وسیله عروض ممکن نیست» (کریمی، ۱۳۸۰: ۴).

این‌که چه وزن یا وزن‌هایی در دوره‌ای خاص، بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد و یا چه شاعرانی از تنوع وزنی بیش‌تری در سرایش برخوردارند، نتیجه رواج سبک‌ها و چهره‌های متفاوت در دوره‌های مختلف است؛ البته گاه دانش عروضی شاعران و حتی تفنن طلبی آنان نیز تا حدودی به گسترش و یا محدود شدن دامنه تنوع وزن‌های رایج کمک کرده است. اگرچه نمی‌توان به طور قطعی رابطه مستقیم موضوع و یا سبک شاعران را با تنوع گونه‌های وزنی و یا اوزان اصلی در شعرشان ثابت کرد؛ با تحلیل برخی از داده‌ها، متناسب با گونه‌گونی وزن در آثار آن‌ها، می‌توان به برخی نتایج نسبی رسید. از آن‌جا که غزل به عنوان یکی از قالب‌های اصلی در ادبیات فارسی در دوره‌های مختلف حضور داشته

است، در صفحه‌های آینده برآینم تا با بررسی گونه‌های وزنی در آثار ده تن از غزل‌سرایان فارسی از سده‌های دهم تا دوازدهم، تأثیر نسبی وزن در سبک‌ها و مکتب‌های مختلف ادبی و تا حدودی تناسب آن را با محتوای غزل‌ها تحلیل کنیم.

در این پژوهش سعی شده است، شاعرانی انتخاب شوند که یا چهره‌های اصلی غزل در دوره و سبک زمان خود بوده‌اند و یا میزان تنوع وزنی در شعر آنان متناسب با شیوه متفاوت و موضوع‌های خاصشان قابل توجه بوده است. به همین منظور در ادامه گونه‌های وزنی در غزل وحشی بافقی (ف. ۹۹۱) و محتشم‌کاشانی (ف. ۹۹۶) از مکتب وقوع، کلیم‌کاشانی (همدانی ف. ۱۰۶۱)، صائب تبریزی (ف. ۱۰۸۱) از شاعران متعادل سبک هندی و فیض‌کاشانی (ف. ۱۰۹۰)، از ادامه دهندگان شیوه عراقی در سده یازدهم، بیدل دهلوی (ف. ۱۱۳۳) قصاب کاشانی (ف. ۱۱۶۵) از ادامه دهندگان این سبک در قرن دوازدهم، حزین لاهیجی (ف. ۱۱۸۱) از شاعران بینابین قرن دوازدهم و طیب اصفهانی (ف. ۱۱۷۱) و هاتف اصفهانی (ف. ۱۱۹۸)، از غزل‌سرایان دوره بازگشت تحلیل و بررسی خواهند شد.

بررسی و تحلیل جایگاه وزن‌های عروضی در غزل شاعران مورد نظر

برای تحلیل گونه‌های وزنی موجود در غزل شاعران یاد شده، بهترین شیوه، مقایسه آماری وزن غزل‌های آن‌ها با یک‌دیگر است. در تمام این پژوهش سعی شده است، با استفاده از جدول‌های طبقه‌بندی شده، تنها به تحلیل نتایج هر جدول بپردازیم. در این تحلیل‌ها بیش‌تر روش ایجاز و گزیده‌گویی مراعات شده است و این به آن دلیل است که خود جدول‌ها می‌توانند بیان‌گر نتایج این پژوهش باشند.

جدول ۱ وضعیت کلی شاعران بررسی شده

/							
/		-					
/			()				
/							
/					/		
/							
/							
/							
/							

۱																			

چنان‌که از جدول ۲ برمی‌آید می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت:

الف) بیش‌ترین تنوع وزنی و زحافی موجود در این پژوهش در بحر رمل دیده می‌شود. اگر گونه وزنی را با یکی دانستن مجموعه زحاف‌های نزدیک به هم (مثلاً محذوف و مقصور) در هر بحر محاسبه کنیم، در مجموع ۱۴۰۰۰ غزل بررسی شده، از ۱۳ گونه وزنی بحر رمل (۲۰ زحاف با احتساب زحاف‌های محذوف، مقصور، اصلم و مسیغ به طور جداگانه)، استفاده شده است که قابلیت گونه‌گونی این بحر را در ادبیات فارسی نشان می‌دهد. پس از آن نیز بحرهای هزج و رجز با ۹ و ۸ گونه (به ترتیب ۱۶ و ۱۳ زحاف)، متنوع‌ترین بحرهای هستند. کم‌ترین تنوع را نیز در میان بحرهای استفاده شده، در بحر متدارک و مدید می‌توان دید که تنها از ۱ گونه از زحاف‌های آن‌ها و تنها در غزل‌های بیدل و فیض استفاده شده است.

ب) براساس این پژوهش، هم‌چنین می‌توان گفت که بحر رمل با در برگرفتن نزدیک به ۴۰ درصد غزل‌های سروده شده، پرکاربردترین بحر در غزل شاعران یاد شده است و پس از آن هزج با نزدیک به ۲۵ درصد و مضارع و مجتث به ترتیب با ۱۶ و ۱۳ درصد غزل‌ها، پرکاربردترین بحرهای مورد بررسی هستند. درکل، نزدیک به ۹۴ درصد غزل‌ها در این چهار بحر سروده شده‌اند که اهمیت آن‌ها را در غزل فارسی می‌نمایاند. کم‌ترین میزان کاربرد را هم در این پژوهش، می‌توان با حدود چهار هزارم درصد، مخصوص بحر مدید دانست.

ج) از نظر تنوع وزنی باید گفت که ده شاعر مورد پژوهش، مجموعاً از ۵۲ گونه وزنی و ۸۶ زحاف، در غزل‌هایشان بهره برده‌اند که از میان آن‌ها غزل‌های فیض کاشانی با ۴۴ وزن (۷۱ زحاف) از آثار دیگر شاعران تنوع بیش‌تری در وزن دارد. یکی از دلایل این تنوع در آثار او، غلبه جنبه محتوایی و تعدد مفاهیمی است که غزل او دارد و به ضرورت آن‌ها به وزن‌هایی نیازمند است که مقصودش را با آن‌ها مطرح کند. دلیل دیگر این تعدد اوزان، شاید این باشد که فیض در غزل از جهتی مقلد و پیرو شیوه مولوی و حافظ است و به ضرورت گرایش از وزن‌های آنان استفاده می‌کند و از جهت دیگر به ضرورت آشنایی به ادبیات و شعر عرب برخی از وزن‌های نادر را نیز از آن منبع به غزل‌هایش اضافه کرده است و در کنار آن با بهره‌وری از ذوق شخصی، از اندک گونه‌های رایج سبک هندی نیز، به ضرورت هم‌زمانی بهره برده است.

پس از فیض، بیدل دهلوی با ۳۵ گونه وزنی (۶۲ زحاف) در غزل‌هایش، بیش‌ترین تنوع وزنی را دارد که تا حدودی علت آن را می‌توان در گرایش او به ذهن و زبان مولوی و ارتباط با اشعار او یافت؛ البته بیدل، تعدادی وزن کم‌کاربرد را هم بنا به نوآوری و سلیقه خود وارد دیوان کرده‌است که این نکته نیز بر تنوع وزن‌های غزل او افزوده است. جدا از فیض و بیدل که تنوع قابل توجهی در وزن دارند، محتشم و حزین نیز نسبت به تعداد غزل‌هایشان تنوع طلبی متوسطی در وزن دارند؛ اما صائب اگرچه از ۲۹ گونه وزن (۴۹ زحاف) در غزل‌هایش استفاده کرده است، این تنوع بیش‌تر برخاسته از فراوانی غزل‌های اوست و غزل‌های نادری را می‌توان در آثار او یافت که در وزن‌های خاص سروده شده‌اند. در مقابل،

هاتف در ۹۰ غزل دیوانش، از ۲۴ وزن (۳۲-زحاف) بهره برده است که با توجه به تعداد غزل‌هایش می‌توان تنوعی قابل قبول در وزن، برای غزل‌هایش تصور کرد. اهمیت هاتف علاوه بر تنوع وزنی، استفاده از وزن‌هایی است که پیش از او کم‌تر در غزل فارسی استفاده شده‌اند.

می‌توان وزن غزل‌های طیب را هم با توجه به تعداد کمی که دارند، متنوع دانست؛ البته شاعرانی چون وحشی، کلیم و قصاب، در وزن غزل‌هاشان چندان متنوع نشان نمی‌دهند، اگرچه در دیوان کلیم تا حدودی تنوع وزنی دیده می‌شود.

در کل باید گفت، غزل‌سرایان دوره بازگشت با توجه به دقتی که در تقلید و مطالعه آثار قدما دارند، به همراه شاعرانی که به جنبه‌های عرفانی و زهدی علاقه‌مندند، تنوع جویی بیش‌تری در وزن غزل‌های خود دارند؛ در مقابل شعر سبک هندی با توجه به رسالت مضمون پردازانه‌اش، بیش‌تر دنبال وزن‌های خاص، ساده و تجربه شده و از نظر طول ۱۴ تا ۱۶ هجایی است و این نکته تنوع وزنی را در این سبک در حدی پایین قرار داده است. در سبک وقوع هم از آن‌جا که شعرها معمولاً عاشقانه و روایی‌اند، شاعران هم به وزن‌های جویباری و روان توجه دارند و هم وزن‌های کوتاه را در اشعارشان به کار می‌گیرند؛ البته گرایش به وزن‌های متوسط و بلند در این سبک بیش‌تر است. در کل نیز می‌توان این سبک را از نظر تنوع وزنی در حد وسط دو سبک قبل قرار داد.

د) در بررسی دو بحر اصلی شاعران هم می‌توان به این نتایج اشاره کرد که: ۷ تن از شاعران بررسی شده بیش از دیگر بحرهای رمل بهره گرفته‌اند. شیوه استفاده از رمل در شعر بیش‌تر این شاعران شبیه هم است و تفاوت آن‌ها در بلند و کوتاهی وزن‌های رمل است. در شاعران سبک هندی گونه‌های رمل بیش از همه ۱۴ و ۱۵ هجایی‌اند و کم‌تر از رمل‌های کوتاه استفاده می‌شود. در غزل شاعران مکتب وقوع اگر چه کم، از رمل‌های کوتاه هم استفاده می‌شود. در مقابل استفاده از رمل‌های کوتاه، در غزل شاعرانی که گرایش عرفانی دارند، بیش‌تر دیده می‌شود تا آن‌جا که در غزلیات فیض تعداد غزل‌هایی که در بحر رمل مسدس سروده شده‌اند، از غزل‌های با وزن رمل مثنی‌تر است و این با شیوه زمان او - سبک هندی - کاملاً مغایر است.

گونه اصلی بحر در غزل شاعران قرن دوازدهم با نزدیک شدن به سبک بازگشت، به هزج تبدیل می‌شود؛ اگرچه در دیوان این شاعران رمل هم، هنوز به عنوان بحر دوم کاربرد دارد. هزج هم‌چنین در شعر ۶ تن از شاعران قبل از بازگشت، بحر دوم محسوب می‌شود. در کل می‌توان متفاوت‌ترین غزل‌سرا را در این ده تن، از نظر شیوه استفاده از بحرهای، حزین لاهیجی دانست که بحرهای اول و دومش، هزج و مضارعند و بحر رمل جزو دو بحر اول غزل‌های او محسوب نمی‌شود. در کنار او می‌توان از کلیم نیز نام برد که بحر هزج جزو دو بحر اصلی غزل او نیست و دو بحر مضارع و مجتث با کاربردی مساوی، بحر دوم او به حساب می‌آیند.

ه) نکته‌ای دیگر که از بررسی جدول ۲ می‌توان به آن دست یافت، میزان تنوع بحری موجود در حدود ۱۴ هزار غزل بررسی شده است. در مجموع، این آثار در ۱۳ بحر سروده شده‌اند که بیدل دهلوی و فیض کاشانی با استفاده از ۱۲ بحر، گسترده‌ترین دامنه بحری را دارند. وحشی بافقی نیز با ۷ بحر موجود در غزل‌هایش کم‌ترین میزان تنوع را در استفاده از بحرهای عروضی نشان داده است و دیگر شاعران در استفاده از بحرهای متنوع، شیوه‌ای متعادل و متناسب با عصر و سبک زمان خود دارند.

/)	(()	()	()	()	()	()	()
	()		/	/	/	/	/	/	
	()								
		/							

براساس اطلاعات موجود در جدول ۳ می‌توان این گونه نتیجه گرفت:

الف) شاعران، متناسب با شیوه‌های خود، صاحب سبکی خاصند. بیش‌تر شاعران به وزن‌هایی خاص علاقه‌مندند. وزن‌هایی که می‌توان شاعران را به آن‌ها شناخت. میزان تکرار این وزن‌ها در شعر برخی شاعران به حدی است که گاه قسمت عمده اشعار آن‌ها، در آن چند وزن محدود سروده شده است. بر این اساس می‌توان گفت که برخی از شاعران قسمت اعظم غزل‌هایشان را در چند وزن اصلی می‌سرایند. وزن شعر این شاعران تشخیصی خاص خود دارد، به طوری که گویی در پرداخت شعر با آن وزن‌های خاص مجرب شده‌اند.

در جدول شماره ۳، هفت وزن اصلی هر غزل‌سرا به همراه میزان استفاده از آن‌ها استخراج شده است. در میان این شاعران برخی؛ بویژه شاعران سبک هندی، درصد بیش‌تری از غزل‌هایشان را در این ۷ وزن اصلی سروده‌اند. این اصرار بر وزن‌های خاص به دلیل تلاش شاعران سبک هندی برای القای مناسب مضمون‌های خود به مخاطب است. از آن میان، صائب تبریزی، بیش از ۹۰ درصد غزل‌هایش را در ۷ وزن سروده است. قصاب کاشانی نیز که مقلد تمام عیار صائب است و نزدیک به ۸۵ درصد غزل‌هایش را در هفت وزن اولش سروده است. کم‌ترین درصد استفاده از وزن‌های خاص در غزل نیز، از این مجموعه، متعلق به فیض کاشانی است که فقط ۵۲ درصد غزل‌هایش را در برگرفته است و بخوبی نشان می‌دهد، او تمایل چندانی به استفاده از وزن‌های خاص در اشعارش ندارد و متناسب با حس و حالی که موضوع به او عرضه می‌دارد، از وزن مناسب استفاده می‌کند. این کمی توجه به وزن خاص در شاعران کم‌کار بازگشت هم تا حدودی دیده می‌شود؛ البته این کم‌توجهی به اندازه فیض نیست.

ب) اگر به وزن‌های اصلی هر شاعر و تشابه غزل‌سرایان با هم نیز نظر بیفکنیم، نتایجی به دست می‌آید. برخی شاعران، بویژه در سبک‌های مشابه، بسیار شبیه هم از وزن بهره می‌گیرند. برای مثال ۵ وزن از ۷ وزن اول محتشم و وحشی یکی است و این شاید به دلیل شباهت سبک وقوع و مفاهیم مشترک در غزل‌های آن‌ها باشد. آن دو به تناسب سبک و موضوع، وزن‌هایی را انتخاب می‌کنند که قابلیت روایی داشته باشند؛ البته اولویت وزن‌های مشابه در آثار آن دو متفاوت است و این سلیقه و سبک متفاوت آن‌ها را در انتخاب وزن نشان می‌دهد.

شباهت وزن‌های اصلی در شعر شاعران سبک هندی چشم‌گیرتر است. هفت وزن اول صائب و کلیم دقیقاً یک‌سان است و تنها از نظر اولویت وزن سوم و چهارم با هم متفاوتند که تأثیر شباهت سبکی آن دو را بر وزن‌های مورد

نظرشان، نشان می‌دهد. این شباهت در وزن‌های اصلی قصاب کاشانی نیز تا حدودی دیده می‌شود. در یک نظر عمومی هم می‌توان این نکته را پی‌گیری کرد و آن شباهت استفاده از وزن‌های بحر هزج در میان شاعران قرن دوازدهم است. بر این اساس، چه به صورت اتفاقی و چه به صورت سبکی، «وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» جزو سه وزن اول تمام شاعران این قرن به شمار می‌رود و این امر می‌تواند نشان دهد که شاعران هر دوره، یا دست‌کم نمایندگان آن‌ها، به چند وزن خاص توجه بیش‌تری داشته‌اند.

ج) نکته دیگر در مقایسه شاعران مورد نظر، بررسی شباهت و تفاوت آن‌ها در وزن‌های اصلی است. به تفاوت‌های وزن‌های اصلی شاعران در نتایج گذشته اشاره شد؛ با این حال باید اشاره کرد که این تفاوت‌ها در شعر اغلب این ده شاعر اندک است. در غزل ۹ تن از این شاعران سه وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (مفاعیلان)» و «فاعلاتن فاعلاتن فاعلان (فاعلن)» و «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (فاعلان)»، جزو هفت وزن اصلی‌اند و تنها در آثار حزین لاهیجی است که گونه رمل جزو هفت وزن اصلی نیست.

د) چنانچه وزن اول را نیز در شعر ده شاعر یاد شده، بررسی کنیم، خواهیم دید که در غزل شاعران سده‌های دهم و یازدهم و هم چنین ادامه دهندگان سبک هندی در قرن دوازدهم، وزن اصلی «فاعلاتن فاعلاتن فاعلان (فاعلان)» است. غلبه این وزن در سده دوازدهم در شعر طیب به سمت وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (فاعلان)» می‌گراید و در غزل حزین و هاتف وزن اول به «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (مفاعیلان)» تبدیل می‌شود. در کل از جدول ۳ این‌گونه برمی‌آید که وزن‌های بحر رمل در شعر بیش‌تر این شاعران اهمیتی بسزا دارند؛ چنان‌که جز در غزل‌های بیدل، هاتف، قصاب و حزین، در آثار شش شاعر دیگر بررسی شده، سه وزن از بحر رمل، جزو هفت وزنی اصلی قلمداد می‌شوند که این خود بیان‌گر اهمیت این بحر در غزل این دوره است.

جدول ۴ بررسی بسامد وزن‌ها از نظر کوتاهی و بلندی

	()	()	()	()	()	()	()
		/		/			
	/	/		/			
		/		/			
		/		/			
	/	/	7				
	/			/			
	/						
				/			
	/	/		/			
	/	/					
	/	/		/			

نکته دیگر که می‌توان از بررسی وزن‌های اصلی این ده شاعر به دست می‌آید، تفاوت آنان در استفاده از وزن‌های کوتاه و بلند است. نتیجه جدول شماره ۴ را که به مقایسه شاعران یاد شده، از منظر طول وزن پرداخته است، می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف) چنانچه وزن‌های استفاده شده در این ۱۴۰۰۰ غزل را به سه دسته کوتاه و متوسط، بلند متعادل و بسیار بلند تقسیم کنیم، خواهیم دید که از ۵۲ گونه وزنی ۲۸ گونه را، وزن‌هایی با طول متعادل (۱۴ تا ۱۶ هجایی) تشکیل می‌دهند که این نکته تناسب بیش‌تر این گونه از اوزان را با غزل نشان می‌دهد. پس از وزن‌های بلند متعادل نیز، وزن‌های کوتاه و بسیار بلند با ۱۷ و ۷ نوع در رتبه‌های بعدی قراردارند. بیش‌ترین گونه‌های وزن کوتاه در بحرهای هزج و رمل (به ترتیب ۵ و ۴ گونه) و پس از آن رجز، متقارب، خفیف (هر کدام دو گونه) و منسرح و سریع (۱ گونه)، دیده می‌شوند و وزن‌های بسیار بلند را نیز می‌توان در بحرهای رمل، رجز، متدارک، متقارب و کامل جستجو کرد.

ب) از نظر میزان کاربرد نیز، وزن‌های با طول متعادل بیش از ۹۲ درصد از غزل‌ها را شامل می‌شود که کاربرد قاطع این نوع از وزن‌ها را در قالب غزل نشان می‌دهد و پس از آن، وزن‌های کوتاه با بیش از ۶ درصد کاربرد، جایگاهی اندک دارند. وزن‌های بلند نیز با کاربردی کم‌تر از ۱ درصد، بیش‌تر نشان دهنده تفنن طلبی برخی از شاعران در استفاده از آن‌هاست.

ج) شاعران سبک هندی؛ بویژه صائب، و در کنار آن قصّاب کاشانی از آن جا که مضمون‌پردازند و اصل شعرشان براساس استقلال بیت تنظیم شده‌است و در بسیاری از غزل‌هاشان نیز، با استفاده از ردیف اسمی و یا فعلی به کشف مضمون‌های تازه رغبت نشان داده‌اند و برای داشتن مجال مناسب، معمولاً از وزن‌هایی استفاده می‌کنند که ضمن داشتن وحدت طولی (نه تکه تکه بودن چون وزن‌های دوری و بسیار بلند) دارای طولی متعادل- بین ۱۴ تا ۱۶ هجا- باشند. حدود ۹۷ درصد از غزل‌های صائب و قصّاب در وزن‌هایی متعادل سروده شده‌اند. کلیم، وحشی و محتشم نیز متناسب با مضمون‌پردازی هندی و یا روایت‌مداری در سبک وقوع، بیش‌تر به همین گونه از وزن‌ها تمایل نشان داده‌اند.

کم‌ترین میزان علاقه به وزن‌های ۱۴ تا ۱۶ هجایی، در غزل‌های فیض دیده می‌شود. تنها ۶۰ درصد از غزل‌های او در این گونه وزن‌ها سروده شده است که تفاوت قابل توجهی را با دیگر شاعران نشان می‌دهد. پس از فیض، کم‌ترین درصد استفاده از وزن‌های یاد شده را در دیوان طیب و هاتف می‌توان دید که این نکته، ادامه سنت سبک عراقی را در انتخاب وزن غزل، در میان شاعران بازگشت تأیید می‌کند.

د) در میان ده تن غزل‌سرای مورد پژوهش، فیض کاشانی به دلایل عمده؛ بویژه توجه به مفاهیم اخلاقی، زهدی و عرفانی، بیش از دیگران به استفاده از وزن‌های ۱۰ تا ۱۳ هجایی تمایل نشان داده است و وزن‌های دوم و سوم او را از نظر تعداد غزل، این گونه اوزان کوتاه تشکیل می‌دهند. در مجموع ۳۹ درصد از غزل‌های فیض در وزن‌های کوتاه سروده شده‌اند که در میان غزل‌سرایان این دوره کم سابقه است و پس از او این میزان اقبال را می‌توان تا حدودی در آثار طیب یافت که ۱۷ درصد از غزل‌های او را در برگرفته است. علاقه طیب به سرودن غزل در وزن‌های کوتاه احتمالاً برآمده از تأثیر پذیری او از سعدی در سرایش غزل است که به عنوان یکی از مؤلفه‌های شعر بازگشت در دیوان او دیده می‌شود.

ه) بیش‌ترین درصد استفاده از وزن‌های بسیار بلند (۱۷ تا ۲۴ هجایی) در دیوان بیدل دیده می‌شود. در غزل‌های او کاربرد این گونه وزن‌ها از یک شیوه تفننی به سمت ویژگی‌ای سبکی گرایش یافته است تا آن‌جا که ۸۴ غزل او در این

اوزان سروده شده است. در میان وزن‌های بلند مورد توجه او گونه «متفاعلن متفاعلن متفاعلن (متفاعلان)» از بحر کامل با کاربرد در ۵۵ غزل اهمیتی خاص یافته است تا جایی که در سراسر شعر فارسی کم‌تر شاعری را می‌توان یافت که به این وزن تا این اندازه علاقه نشان داده باشد. جدا از بیدل، هاتف اصفهانی نیز در دوره بازگشت تا حدودی به وزن‌های بسیار بلند تمایل نشان داده است که با در نظر گرفتن تعداد اندک غزل‌های او، کم‌تر به ویژگی‌ای سبکی تبدیل شده است.

جدول ۵ وزن‌هایی که بیش‌ترین اشعار به آن‌ها سروده شده است

ردیف	وزن عروضی	بحر و زحاف مربوط	تعداد	درصد به کل	بیش‌ترین کاربرد	درصد
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان)	رمل مثنی‌م محذوف (مقصور)	۳۵۷۹	۲۵/۵	صائب	۶۱/۶
۲	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (مفاعیلان)	هزج مثنی‌م سالم (مسبغ)	۲۰۳۹	۱۴/۵	صائب	۴۷/۱
۳	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن (فاعلان)	مضارع مثنی‌م اخرج مکفوف محذوف (مقصور)	۱۹۵۶	۱۴	صائب	۵۵/۸
۴	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فع لن (فع لان)	مجتث مثنی‌م مخبون اصلم (مسبغ)	۱۰۷۷	۷/۷	صائب	۶۳/۴
۵	مفعول مفاعیل مفاعیل فاعولن (مفاعیل)	هزج مثنی‌م اخرج مکفوف محذوف (مقصور)	۱۰۰۸	۷/۶	صائب	۳۷/۵
۶	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن (فع لان)	رمل مثنی‌م مخبون اصلم (مسبغ)	۹۲۲	۶/۶	صائب	۶۴/۳
۷	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (فاعلان)	رمل مثنی‌م مخبون محذوف (مقصور)	۸۰۹	۵/۸	صائب	۵۷/۸
۸	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن (فاعلان)	مجتث مثنی‌م مخبون محذوف (مقصور)	۶۵۸	۴/۷	صائب	۵۵/۶
۹	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (فاعلاتان)	مضارع مثنی‌م اخرج (مسبغ)	۲۶۸	۱/۹	بیدل	۳۵/۸
۱۰	مفاعیلن مفاعیلن فاعولن (مفاعیل)	هزج مسدس محذوف (مقصور)	۱۸۲	۱/۴	فیض	۴۰/۶
۱۱	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن (فاعلاتان)	مجتث مثنی‌م مخبون (مسبغ)	۱۵۱	۱/۱	بیدل	۴۲/۳
۱۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان)	رمل مسدس محذوف (مقصور)	۱۳۴	۰/۹۵	فیض	۵۴/۴
۱۳	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (مستفعلان)	رجز مثنی‌م سالم (مذال)	۱۳۱	۰/۹۳	فیض	۳۵/۱
۱۴	مفعول مفاعیلن فاعولن (مفاعیل)	هزج مسدس اخرج مقبوض محذوف (مقصور)	۱۱۹	۰/۸۵	فیض	۴۶/۲
۱۵	فاعلاتن مفاعیلن فع لن (فع لان)	خفیف مسدس مخبون اصلم (مسبغ)	۱۱۷	۰/۸۳	فیض	۵۰/۴
۱۶	مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن (مفاعلان)	رجز مثنی‌م مطوی مخبون (مذال)	۱۰۴	۰/۷۴	فیض	۲۷/۸
جمع	شانزده وزن اصلی (بابیش از ۱۰۰ غزل)		۱۳۲۵۴	۹۴/۷		

براساس جدول شماره ۵ می‌توان نتیجه گرفت:

الف) بیش از ۹۴ درصد از غزل‌ها، در ۱۶ وزن پرکاربرد سروده شده‌اند و این بیان‌گر میزان اهمیت این وزن‌ها در غزل ۳۰۰ سال مورد بررسی است؛ البته باید به این نکته اشاره کرد که از میان شانزده وزن یاد شده نیز ۸ وزن نخست کاربردی کاملاً متفاوت دارند؛ چنان‌که ۸۶ درصد غزل‌ها در همین ۸ وزن سروده شده‌اند.

ب) پرکاربردترین وزن در مجموع غزل‌ها، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان)» محسوب می‌شود که بیش از ۲۵ درصد غزل‌ها را شامل می‌شود و پس از آن نزدیک ۱۴ درصد غزل‌ها، به ترتیب در دو وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» و «مفعولُ فاعلاتن مفاعیلُ فاعلن (فاعلان)» سروده شده‌اند.

ج) ۹ وزن اول پرکاربرد، جزو وزن‌های با طول متعادلند و پرکاربردترین وزن کوتاه «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (فعلون)» است که ۱۸۲ غزل در آن سروده شده‌است و پس از آن وزن‌های «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان)» و «مفعولُ مفاعلن فعلون (مفاعیلن)»، پرکاربردترین اوزان کوتاه به شمار می‌روند.

د) بیش‌ترین سهم غزل در هفت وزن اول را، صائب به خود اختصاص داده است. این نکته با در نظر گرفتن تعداد غزل‌های او و سهم ۵۰ درصدی‌اش از کل غزل‌ها کاملاً منطقی است. درصد توجه او به وزن‌های یاد شده نیز با اندکی تفاوت، تنها علاقه بیش‌تر و یا کم‌تر او را به وزن‌های متفاوت نشان می‌دهد. بیدل دهلوی نیز در وزن‌های نهم و یازدهم بیش‌ترین سهم را داشته است که با توجه به سهم ۲۰ درصدی او از کل غزل‌های بررسی شده، اندکی تفاوت را نشان می‌دهد. بیدل؛ به‌ویژه در وزن یازدهم بیش از دو برابر حد میانگین، غزل سروده است. در وزن دهم و وزن‌های دوازدهم تا شانزدهم نیز، بیش‌ترین سهم از آن فیض کاشانی است. از آن جا که نزدیک به ۶ درصد از مجموع غزل‌های پژوهش مربوط به فیض است، کاملاً مشخص است که او در استفاده از وزن‌های خاص خود، انحراف قابل توجهی با میانگین آثار دارد؛ چنان‌که در وزن‌های دوازدهم و پانزدهم بیش از ۸ برابر میانگین غزل سروده است. این انحراف معیار در وزن‌های دهم، یازدهم و چهاردهم نیز کاملاً چشم‌گیر است و خود می‌تواند مؤید تفاوت وزن در غزل فیض نسبت به دیگر شاعران هم عصرش باشد.

جدول کامل وزن‌ها و بحرهای عروضی

در جدول‌های گذشته، قسمت عمده نتایج این پژوهش بررسی شد. از آن جا که بررسی جداگانه وزن‌های مختلف هر شاعر در هر بحر می‌تواند، نکات باقی مانده این پژوهش را معرفی کند؛ در چند جدول پیش‌رو دیگر نتایج پژوهش را یادآوری می‌کنیم و از آن جا که خود جدول‌ها در بردارنده اطلاعات مشخصند و نتایج این پژوهش را بخوبی بازگو می‌کنند؛ تنها در موارد خاص به شرح آن‌ها خواهیم پرداخت.

جدول ۶ بحر رمل

ردیف	وزن عروضی	بحر	وحشی	محتشم	کلیم	صائب	فیض	بیدل	طیب	قصاب	حزین	هاتف	جمع
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مثنی سالم	-----	-----	-----	-----	۲	-----	-----	-----	-----	-----	۲
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن(فاعلان)	رمل مثنی محذوف (مقصور)	۹۲	۱۳۷	۱۴۲	۲۱۸۹	۱۱۰	۷۷۸	۱۴	۹۴	۱۴	۹	۳۵۷۹
۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (فاعلان)	رمل مسدس محذوف (مقصور)	۲	۱	۶	۱۵	۷۳	۳۱	۲	۱	۳	-----	۱۳۴
۴	فاعلاتن فعلن/فاعلاتن فعلن	رمل مثنی مخبون محذوف دولختی	-----	-----	-----	-----	۱	-----	-----	-----	-----	-----	۱
۵	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن(فاعلاتن)	رمل مثنی مخبون (مسیغ)	-----	-----	-----	-----	۳	۳	-----	-----	-----	۱	۱۰
۶	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن(فعلان)	رمل مثنی مخبون محذوف(مقصور)	۲۱	۷۰	۳۴	۴۶۸	۳۵	۸۴	۱۱	۱۲	۶۸	۶	۸۰۹
۷	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن(فاعلان)	رمل مثنی مخبون محذوف(اصلم) مسیغ	۱۷	۴۸	۳۹	۵۹۳	۲۳	۱۲۰	۱۵	۱۰	۵۰	۷	۹۲۲
۸	فاعلاتن فاعلاتن فعلن (فعلان)	رمل مسدس مخبون محذوف(مقصور)	---	۲	۱	۱	۸	۷	۱	---	۲	---	۲۲
۹	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن(فاعلان)	رمل مسدس مخبون اصلم (مسیغ)	---	۱	۱	۳	۱۰	۱۰	---	---	---	---	۲۵
۱۰	فعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مثنی مشکول	۸	۱۰	۱	۵	۱۵	۱۴	۳	۱	۵	۲	۶۴
۱۱	فعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مثنی مشکول اصلم	---	---	---	---	۱	---	---	---	---	---	۱
۱۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مثنی مجحوف	---	---	---	---	۱	---	---	---	---	---	۱
۱۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل شانزده رکنی مکفوف مجحوف	-----	---	---	---	۱	---	---	---	---	---	۱
جمع اول	تعداد غزل های هروزن		۱۴۰	۲۶۹	۲۲۴	۳۲۷۷	۲۸۳	۱۰۴۷	۴۶	۱۱۸	۱۴۲	۲۵	۵۵۷۱
جمع دوم	تعدادوزن های به کاررفته		۵	۷	۷	۸	۱۳	۸	۶	۵	۶	۵	۱۳
جمع سوم	تعدادزحاف های به کاررفته		۹	۱۰	۱۱	۱۲	۲۰	۱۴	۱۰	۸	۱۱	۸	۲۰

چنان‌که از جدول عبرمی‌آید، بحر رمل متنوع‌ترین بحر در این پژوهش است و تمام غزل‌سرایان متناسب با سبک و سلیقه خود از چند گونه وزنی آن بهره گرفته‌اند که از آن میان، فیض کاشانی و بیدل دهلوی بیش‌ترین تنوع جویی را نشان داده‌اند. ۴۰ وزن از گونه‌های رمل در غزل همه شاعران بررسی شده، دیده می‌شود و در مقابل ۵ وزن، تنها یک بار و تنها در غزل‌های فیض کاربرد داشته‌اند که این نکته نمایان‌گر تمایل او به استفاده از وزن‌های نادر و جدید است.

جدول ۷ بحر هزج

ردیف	وزن عروضی	بحر	وحشی	محتشم	کلیم	صائب	فیض	بیدل	طیب	قصاب	حزین	هاتف	جمع
۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (مفاعیلن)	هزج مثنی سالم (مسبغ)	۶۰	۱۱۲	۵۵	۹۶۰	۵۲	۴۸۸	۱۹	۶۲	۲۱۲	۱۹	۲۰۳۹
۲	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مسدس مسبغ	---	---	---	---	۱	---	---	---	---	---	۱
۳	مفاعیلن مفاعیلن فعولن (مفاعیلن)	هزج مسدس محذوف (مقصور)	۷	۲	۱۲	۳۲	۷۴	۳۰	۱۱	۱	۱۲	۱	۱۸۲
۴	مفعول مفاعیلن مفعول (مفاعیلن)	هزج مثنی اخری (مسبغ)	---	۸	---	۱۰	۲۱	۱۶	۱	---	۱۴	۱	۷۱
۵	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعولن (مفاعیلن)	هزج مثنی اخری مکفوف محذوف (مقصور)	۴۲	۱۹	۳۵	۳۷۹	۳۸	۲۵۶	۲۱	۳۲	۱۸۱	۵	۱۰۰۸
۶	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعل (فعول)	هزج مثنی اخری مقبوض مکفوف مجبوب (اهتم)	---	---	---	---	۶	---	---	---	---	---	۶
۷	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فع	هزج مثنی اخری مقبوض مجحوف	---	---	---	---	۳	---	---	---	---	---	۳
۸	مفعول مفاعیلن مفاعیلن (مفاعیلن)	هزج مسدس اخری مقبوض (مسبغ)	---	---	---	۶	---	---	---	---	---	---	۶
۹	مفعول مفاعیلن فعولن (مفاعیلن)	هزج مسدس اخری مقبوض محذوف (مقصور)	۱	۸	۷	۱۲	۵۵	۸	۷	---	۱۶	۵	۱۱۹
جمع اول	تعداد غزل های هر وزن		۱۱۰	۱۴۹	۱۰۹	۱۳۹۹	۲۵۰	۷۹۸	۵۹	۹۵	۴۳۵	۳۱	۳۴۳۵
جمع دوم	تعداد وزن‌های به کاررفته		۴	۵	۴	۶	۸	۵	۵	۳	۵	۵	۹
جمع سوم	تعداد زحاف‌های به کاررفته		۶	۹	۸	۱۱	۱۳	۱۰	۹	۵	۹	۸	۱۶

بحر هزج چه از نظر کاربرد و چه تنوع، دومین بحر مورد توجه شاعران است. گونه اول، سوم و پنجم این بحر در غزل همه شاعران پژوهش دیده می‌شود و در مقابل چهار وزن، تنها توسط یک شاعر به کار گرفته شده‌اند که از آن میان فیض از ۳ و صائب از ۱ وزن بهره گرفته است.

جدول ۸ بحر رجز

ردیف	وزن عروضی	بحر	وحشی	محتشم	کلیم	صائب	فیض	بیدل	طیب	قصاب	حزین	هاتف	جمع
۱	مستفعلن مستفعلن (مستفعلن)	رجز مثنی سالم (مدال)	۱۸	۲۳	۴	۸	۴۶	۱۱	۲	۳	۱۰	۶	۱۳۱
۲	مستفعلن مستفعلن مستفعلن فعلن	رجز مثنی مرفوع مخبون	---	---	---	---	۱	---	---	---	---	---	۱
۳	مستفعلن مستفعلن (مستفعلناتان)	رجز مربع مرقل (مدال)	---	۱	---	---	۱۹	۶	۲	---	۳	---	۳۱
۴	مفتعلن مفتعلن مفتعلن	رجز مثنی مطوی	---	---	---	---	---	۸	---	---	---	۱	۹
۵	مفتعلن مفاعیلن (مفاعیلن)	رجز مثنی مطوی مخبون (مدال)	۸	۱۵	۳	۶	۲۹	۲۵	---	---	۱۶	۲	۱۰۴
۶	مفتعلن مفتعلن مفتعلناتان	رجز مثنی مطوی مرقل	---	۱	---	---	---	۱	---	---	---	---	۲

۷	مفتعلاتن مفتعلاتن	رجزمریع مطوی مرقل	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---
۸	مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن (مفاعلاتن)	رجز مثنی مخبون مرقل (مدال)	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---
۹	مفتعلن فعلون مفتعلن فعلون	رجز مثنی مطوی مقلع	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---
جمع اول	تعداد غزل‌های هر وزن		۲۶	۴۲	۷	۱۴	۹۶	۷۵	۵	۳	۳۰	۹	۳۰۷
جمع دوم	تعداد وزن (زحاف) های به کاررفته		۲	۶	۲	۲	۵	۶	۳	۱	۴	۳	۹
جمع سوم	تعداد زحاف‌های به کاررفته		۴	۷	۲	۳	۸	۹	۵	۲	۶	۳	۱۳

تنها گونه وزنی در بحر رجز که همه شاعران از آن استقبال کرده‌اند «رجز مثنی سالم» است. شاعرانی نیز گاه از وزن‌هایی در این بحر استفاده کرده‌اند که جز آنها، کسی در آن زحاف غزلی نسروده است. فیض با دو گونه و محتشم با یک گونه شاعران نوآور در بحر رجزند.

جدول ۹ بحرهای متقارب، مضارع و مجتث

ردیف	وزن عروضی	بحر	وحشی	محتشم	کلیم	صائب	فیض	بیدل	طیب	قصاب	حزین	هاتف	جمع
۱	فعلون فعلون فعلون (فعلون)	مقارب مثنی سالم (مسیغ)	---	۴	۳	۲۶	۹	۲۳	۳	۱	۱۰	۱	۸۰
۲	فعلون فعلون فعلون فعل (فعلون)	مقارب مثنی محذوف (مقصور)	---	۱	---	۴	۲۰	۱۲	---	---	۱	۱	۳۹
۳	فعلون فعلون فعلون فعلون	مقارب ده رکنی سالم	---	---	---	---	۱	---	---	---	---	---	۱
۴	فعلون فعلون فعلون فعل	مقارب ده رکنی محذوف	---	---	---	---	۱	---	---	---	---	---	۱
۵	فعلون فعلون فعلون فعلون فعل	مقارب دوازده رکنی محذوف	---	---	---	---	۱	---	---	---	---	---	۱
۶	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (فاعلاتن)	مضارع مثنی اخری (مسیغ)	۵	۱۱	۲۵	۷۰	۱۵	۹۶	۷	۶	۳۰	۳	۲۶۸
۷	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن (فاعلاتن)	مضارع مثنی اخری مکفوف محذوف (مقصور)	۷۰	۹۸	۸۹	۱۰۹۹	۷۱	۳۰۷	۲۳	۴۶	۱۴۷	۶	۱۹۵۶
۸	مفاعلاتن فاعلاتن مفاعلاتن (فاعلاتن)	مجتث مثنی مخبون (مسیغ)	۹	۲۳	۳	۳۰	۹	۶۴	۱	۸	۳	۱	۱۵۱
۹	مفاعلاتن فاعلاتن مفاعلاتن فعلن (فاعلاتن)	مجتث مثنی مخبون محذوف (مقصور)	۱۴	۳۶	۳۹	۳۶۶	۴۵	۱۰۳	۴	۱۲	۳۶	۳	۶۵۸
۱۰	مفاعلاتن فاعلاتن مفاعلاتن فع لن (فع لان)	مجتث مثنی مخبون اصلم (مسیغ)	۱۳	۴۴	۷۲	۶۸۳	۳۵	۱۶۱	۱۱	۱۱	۴۲	۵	۱۰۷۷

چنان‌که دیده می‌شود، بحرهای متقارب، مجتث و مضارع چندان تنوع وزنی ندارند؛ با این حال فیض کاشانی در بحر متقارب سه وزن جدید به کار برده است که در غزل فارسی تقریباً بی‌سابقه‌اند. نکته‌ای دیگر که از جدول شماره ۹ می‌توان نتیجه گرفت درباره دو گونه وزنی بحر مضارع و ۳ گونه بحر مجتث است که در غزل همه شاعران با بسامدی قابل توجه کاربرد داشته‌اند و این می‌تواند تناسب فرا سبکی این ۵ وزن را در غزل اعصار مختلف یادآور شود.

جدول ۱۰ بحرهای خفیف، متدارک، کامل منسرح، مقتضب، سریع و مدید

ردیف	وزن عروضی	بحر	وحشی	محتشم	کلیم	صائب	فیض	بیدل	طیب	قصاب	حزین	هاتف	جمع
۱	فاعلاتن مفاعلهن فعلن (فعلان)	خفیف مسدس مخبون محذوف (مقصور)	۱	۱	۱	۱۲	۳۵	۲۲	---	۳	۸	۱	۸۴
۲	فاعلاتن مفاعلهن فع لن (فع لان)	خفیف مسدس مخبون اصلم (مسیغ)	۳	۴	۳	۲۰	۵۹	۱۸	۱	۲	۶	۱	۱۱۷
۳	فعلاتن مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن	خفیف مثنی مخبون (بحر کامل)	---	---	---	---	---	3	---	---	---	---	۳
۴	مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن (مفاعلهن)	کامل مثنی سالم (مسیغ)	---	۲	---	---	۱	۵۵	---	---	---	۲	۶۰
۵	مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن	کامل مثنی مطوی	---	۱	---	---	---	---	---	---	---	---	۱
۶	مفاعلهن فاعلهن مفاعلهن فاعلهن (فاعلهن)	منسرح مثنی مطوی مکشوف (موقوف)	۴	۱۱	۵	۱۱	۱۷	۲۷	۱	---	۷	۱	۸۴
۷	مفاعلهن فاعلهن مفاعلهن فاعلهن (فاعلهن)	منسرح مثنی مطوی منحور (مجدوع)	---	۱	۲	۲۷	---	۶	---	---	۵	---	۴۱
۸	فاعلهن مفعولن فاعلهن مفعولن (مفعولن)	مقتضب مثنی مطوی مقطوع (موقوف)	---	---	۱	۱	۶	۱۳	---	۱	۳	---	۲۵
۹	فاعلهن مفاعلهن فاعلهن مفاعلهن	مقتضب مثنی مطوی	---	---	---	---	---	۴	---	---	---	---	۴
۱۰	مفاعلهن مفاعلهن فاعلهن مفاعلهن (فاعلهن)	سریع مسدس مطوی مکشوف (موقوف)	---	۶	۱	۱	۵	۴	۱	۱	۱	---	۲۰
۱۱	فاعلاتن فاعلهن فاعلاتن فاعلهن	مدید مثنی سالم	---	---	---	---	۱	---	---	---	---	---	۱
۱۲	فعلن فعلن فعلن فعلن فعلن فعلن فعلن	متدارک مخبون شانزده رکنی	---	---	---	---	---	۴	---	---	---	---	۴

چنان‌که در جدول ۱۰ دیده می‌شود، بحرهای خفیف، متدارک، کامل منسرح، مقتضب، سریع و مدید چه از نظر تعداد غزل سروده شده و چه از نظر تنوع زحافی، در غزل جایگاهی اندک دارند و تنها برخی از شاعران، گاه به ضرورت و گاه به تقنین از برخی وزن‌های این بحرها بهره می‌گیرند. از این بحرها خفیف و پس از آن منسرح و کامل بیش‌ترین کاربرد را دارند؛ البته بحر سریع نیز از نظر توجه اغلب شاعران (بجز وحشی و هاتف) به تک‌گونه‌ی وزنی آن قابل توجه است.

درکل، بیش‌ترین میزان توجه به بحرهای خفیف را می‌توان در غزل‌های فیض کاشانی دید. بیش‌ترین توجه به بحر منسرح نیز در دیوان صائب دیده می‌شود و استفاده از بحر کامل نیز، از مؤلفه‌های سبکی غزل بیدل است. برخی وزن‌ها و یا بحرها نیز تنها در غزل یکی از شاعران دیده می‌شوند که وزن‌های «متدارک مخبون شانزده رکنی» و «خفیف مثنی مخبون (کامل)» در دیوان بیدل، «مدید مثنی سالم» در دیوان فیض و «کامل مثنی مطوی» در دیوان محتشم از آن جمله‌اند.

نتیجه

وزن از شاخص‌های اصلی شعر عروضی، بویژه غزل است. شاعران ادوار مختلف شعر فارسی با نگرش‌ها و شگردهای مختلف از وزن بهره برده‌اند و این شیوه‌ها سبب شکل‌گیری گونه‌های مختلف وزن در علم عروض شده است. به نظر می‌رسد، شاعران مختلف براساس نوع موضوع اثرشان، شیوه و سبک غالب دوره شاعری، نوع خیال، تفنن طلبی و همچنین میزان دانش عروضی‌شان، شیوه‌ای نسبتاً خاص در بهره‌گیری از وزن دارند.

در این پژوهش که با بررسی وزن نزدیک به ۱۴۰۰۰ غزل، از ده غزل‌سرای شاخص قرن‌های دهم تا دوازدهم شکل گرفته است، نتایجی حاصل شد که می‌توان به ایجاز آن‌ها را در زیر برشمرد:

در مجموع، این ۱۴۰۰۰ غزل در ۱۳ بحر و ۵۳ گونه وزنی (۸۴ زحاف) سروده شده‌اند.

از نظر تنوع وزنی فیض کاشانی با ۴۴ نوع وزن (۷۱ زحاف) و بیدل با ۳۵ وزن (۶۲ زحاف) بیش‌ترین تنوع را در انتخاب وزن نشان داده‌اند. این تنوع طلبی در سبک هندی کم‌تر از دیگر سبک‌ها دیده می‌شود و در کنار آن، شاعرانی که از نظر محتوا تمایل به عرفان، و از نظر سبکی تعلقی به طرز عراقی دارند؛ در انتخاب وزن تنوع نشان داده‌اند.

در میان بحرهای رمل با در بر گرفتن نزدیک به ۴۰ درصد غزل‌های سروده شده، پرکاربردترین بحر در غزل شاعران یاد شده است و پس از آن هزج با نزدیک به ۲۵ درصد و مضارع و مجتث به ترتیب با ۱۶ و ۱۳ درصد، پر کاربردترین بحرهای مورد بررسی هستند. از نظر تنوع وزنی نیز بیش‌ترین تنوع را در بحرهای رمل، هزج و رجز می‌توان دید.

پر کاربردترین وزن‌های موجود در غزل این سه قرن نیز عبارتند از: رمل مثنی‌محدوف (مقصور)، هزج مثنی‌سالم (مسیغ)، مضارع مثنی‌مکفوف مقصور (محدوف)، مجتث مثنی‌مخبون اصلم (مسیغ)، هزج مثنی‌مکفوف مکفوف (مقصور) و کم‌کاربردترین وزن‌ها را می‌توان در بحرهای مدید و متدارک یافت.

بیش از ۹۲ درصد از غزل‌ها در وزن‌هایی با طول متعادل (۱۴ تا ۱۶ هجایی) سروده شده‌اند. از آن میان شاعران سبک هندی بیش از همه به این گونه اوزان علاقه دارند و توجه زیاد به وزن‌های کوتاه بیش از همه در آثار فیض دیده می‌شود.

منابع

- ۱- بیدل دهلوی. (۱۳۸۴). دیوان دو جلد، به تصحیح خلیل الله خلیلی، تهران: سیمای دانش، چاپ اول.
- ۲- حزین لاهیجی. (۱۳۷۴). دیوان، به تصحیح ذبیح الله صاحبکار، تهران: نشر سایه، چاپ اول.
- ۳- خانلری، پرویز. (۱۳۶۱). وزن شعر فارسی، تهران: توس، چاپ چهارم.
- ۴- شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۹). موسیقی شعر، تهران: نشر آگه، چاپ دهم.
- ۵- صائب تبریزی. (۱۳۸۳). دیوان، به تصحیح محمد قهرمان، تهران: نشر علمی فرهنگی، چاپ اول.
- ۶- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۸). تاریخ ادبیات در ایران، تهران: نشر فردوس، چاپ نهم.
- ۷- صفوی، کورش. (۱۳۷۳). از زبان شناسی به ادبیات، جلد اول، تهران: چشمه.
- ۸- طبیب اصفهانی. (بی‌تا). دیوان، به کوشش مجتبی بُرزآبادی فراهانی، تهران: نشر سنایی، چاپ اول.
- ۹- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۶۸). کلیات اشعار، به تصحیح محمد پیمان، تهران: نشر سنایی، چاپ سوم.
- ۱۰- قصاب کاشانی. (۱۳۶۳). دیوان، به کوشش جواهری وجدی، تهران: نشر سنایی، چاپ اول.
- ۱۱- کرمی، محمدحسین. (۱۳۸۰). عروض و قافیه در شعر فارسی، شیراز: دانشگاه شیراز، چاپ اول.
- ۱۲- کلیم کاشانی. (۱۳۶۹). دیوان، به تصحیح محمد قهرمان، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ۱۳- محتشم کاشانی. (۱۳۷۳). دیوان، به کوشش مهرعلی گرگانی، تهران: نشر سعدی، چاپ چهارم.
- ۱۴- وحشی بافقی. (۱۳۷۶). دیوان، به تصحیح محمد حسن سیدان، تهران: طلایه، چاپ چهارم.

۱۵- هاتف اصفهانی. (۱۳۷۸). دیوان، به تصحیح وحید دستگردی، تهران: نشرنگاه.

چاپ سوم.

چاپ سوم.